

ایمان ما به روح القدس

درس
دوم

در جهان



THIRD MILLENNIUM
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2019 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: ایمان ما به روح القدس (درس شماره ۲: در جهان)

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدس) گرفته شده است.

فهرست مطالب

(۱) مقدمه

(۲) آفرینش

(۳) مشیت

طبیعت

بشریت

(۴) مکاشفه

نمونه‌ها

منبع

الهام نبوت و کتاب مقدس
روشن‌گری و هدایت باطنی
معجزات، عجایب و نشانه‌ها

(۵) فیض عام

ترویج نیکی

ترویج زندگی

(۶) نتیجه‌گیری

در جهان

مقدمه

در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، برخی از فیلسوفان بر این نظر بوده‌اند که خدا جهان را خلق و سپس آن را به حال خود رها کرده است. و از آن زمان به بعد جهان به طور مستقل از خدا به سیر خود ادامه داده است. نمونه‌ای از عناصر این تفکر را می‌توان در نوشته‌های فیلسوفان یونان باستان یافت. اما در قرن‌های هفدهم و هجدهم، این اندیشه در غرب از طریق فلسفه معروف به «دادارباوری» یا «خدا انگاری» یا دئیسم محبوبیت بیشتری یافت. توصیف مشهوری که «دادارباوری» از خدا انجام داد این بود که خدا یک ساعت‌ساز الاهی، و خلقت، یک ساعت است. این باور تعلیم داد که خدا جهان را به مثابه یک ساعت آفرید، آن را کوک کرده، روی قفسه گذاشت و اجازه داد تا ساعت به کار خود ادامه دهد، و از آن به بعد به آن دست نزده است.

اما کلام خدا تصویر بسیار متفاوتی را ترسیم می‌کند. در نظر خدای راستین، جهان یک ساعت نیست بلکه یک پادشاهی است که شهروندان او در آن ساکن‌اند. و خدا فعالانه پادشاهی خود را حفظ کرده بر آن فرمان می‌راند، و با قوم خود رابطه برقرار می‌کند. و آن شخص تثلیث که بیشترین عملکرد مستقیم را در این زمینه‌ها در جهان اعمال می‌کند، روح القدس است.

این دومین درس از مجموعه دروس «ایمان ما به روح القدس» است و ما برای آن عنوان «در جهان» را برگزیده‌ایم. در این درس، ما بر عملکرد روح القدس در خلقت تمرکز خواهیم کرد.

ما درباره چهار جنبه از کار روح القدس در جهان را بررسی خواهیم کرد. در ابتدا، کار او در آفرینش و در آغاز جهان را توضیح می‌دهیم. دوم، نگاهی خواهیم داشت به تداوم مشیت او که به واسطه آن جهان هستی را حفظ کرده و بر آن فرمان می‌راند. سوم، مکاشفه‌ای را بررسی خواهیم کرد که او از طریق خلقت آشکار می‌کند. و چهارم، فیض عام را تشریح خواهیم کرد که در مقیاسی وسیع به بشر ارزانی داشته است. بیایید ابتدا کار روح را در آفرینش بررسی کنیم.

آفرینش

پرسش شماره ۱۵ در کتاب «پرسش و پاسخ مبسوط وست مینستر» که در سال ۱۶۴۷ منتشر شد، می‌پرسد:

کار خلقت چیست؟

به پاسخی که این کتاب می‌دهد گوش کنید:

کار خلقت عملی است که به واسطه آن خدا در آغاز با کلمه قدرت خود و برای خود، جهان و هر آنچه را که در آن است در عرض شش روز از نیستی به هستی آورد و همه بسیار نیکو بود.

پاسخی که کتاب پرسش و پاسخ ارائه می‌دهد، کار خدا را در آفرینش عمدتاً با خلقت آغازین جهان یکی می‌داند. اما معمولاً، ارجاعات کتاب مقدسی این پاسخ، تایید می‌کنند که آفرینش، خلقت چیزهای نو مانند خلقت انسان‌ها را نیز شامل می‌شود که به طور مداوم ادامه دارد.

در درس پیشین گفتیم که اعتقادنامه رسولان، کار خلقت را به پدر نسبت می‌دهد. و این کاملاً صحیح است که پدر آغازگر آفرینش بود. اما کلام خدا روشن می‌کند که پسر و روح القدس نیز در این کار دخیل بودند. برای نمونه، اول قرنتیان ۸: ۶ می‌گوید که خلقت از پدر و به واسطه پسر حاصل شد. و الاهدانان عموماً توافق داشته‌اند که روح القدس، آن شخص تثلیث بود که عمل خلقت را مطابق طرح پدر و به واسطه پسر انجام داد.

در طول تاریخ، الاهدانان از باب اول کتاب پیدایش استفاده کرده‌اند تا عمل آفرینندگی اولیه روح القدس را نشان دهند. این باب شرح می‌دهد که چطور خدا جهان و تمامی ساکنان آن را با «کلام قدرت خود» به وجود آورد. به چگونگی شروع این گزارش در پیدایش ۱: ۱-۲ توجه کنید.

در آغاز، خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید. زمین بی‌شکل و خالی بود، و تاریکی بر روی ژرفا؛ و روح خدا سطح آب‌ها را فرو گرفت (پیدایش ۱: ۱-۲).

همانطور که در درس پیشین دیدیم، عهد عتیق روح القدس را به عنوان یک شخص مجزا در الوهیت مشخص نمی‌کند. با این حال، عهد عتیق نشان می‌دهد که خدا توسط روح خود جهان را آفرید. و در نور مکاشفه عهد جدید در مورد روح خدا، منطقی است که کارهای خلقت را کار روح القدس بدانیم.

پیدایش باب ۱ می‌گوید که در طی خلقت، روح القدس «سطح آب‌ها را فرو گرفت.» واژه عبری رَخَف (rachaph) که «فرو گرفتن» ترجمه شده، تنها یک جای دیگر در تورات استفاده شده است. در تنبیه ۳۲: ۱۱، موسی از استعاره یک عقاب که در حال مراقبت از جوجه‌هایش است، برای توصیف رابطه خدا با اسرائیل استفاده می‌کند. در این آیه از واژه رَخَف استفاده شده است تا ایده پرنده قدرتمندی را مطرح کند که از جوجه‌هایش مراقبت کرده و آنها را تغذیه می‌کند. بنابراین، هنگامی که می‌خوانیم روح خدا سطح آب‌های خلقت را فرو گرفت، منظور این است که روح به مانند والدی بود که بر طبق کلمه خدا به آفرینش شکل بخشید و آن را پرورش داد.

جان اُون، نویسنده و الاهی‌دان پیوریتن که بین سال‌های ۱۶۱۶-۱۶۸۳ زندگی می‌کرد، در اثر خود تحت عنوان «مباحثه‌ای در باب روح القدس» در مورد قدرت آفرینندگی روح القدس صحبت می‌کند. در فصل ۴ از کتاب اول این اثر، او عملکرد روح القدس در اولین باب کتاب پیدایش را اینگونه شرح می‌دهد:

بدون او چیزی وجود نداشت جز دریایی مُرده و ژرفنایی مغشوش که ظلمت بر روی آن بود و قدرت هیچگونه بارآوری نداشت. اما با حرکت روح خدا بر روی آن، اصول تشکیل‌دهندهٔ تمامی انواع، گونه‌ها و اشکال چیزها - که در واقع زینت آفرینش‌اند - از روح خدا اثر پذیرفتند.

اگرچه زبان این کتاب تا حدی غیر مصطلح است، منظور اُون این است که قبل از اینکه روح القدس آفرینش را شکل دهد، تنها چیزی که وجود داشت آب‌های بی‌نظم و عاری از حیات بود. اما وقتی که روح شروع به حرکت کرد، نظم و زندگی به وجود آورد.

همانطور که در پیدایش ۱: ۱-۲ مشاهده کردیم، قبل از کار روح القدس، خلقت «بی‌شکل و خالی» بود که تصویری از تاریکی و هرج و مرج است. هیچ نوری، هیچ مفهومی از نظم یا شکل، هیچ گیاهی و هیچ جاننداری وجود نداشت. اما همانطور که در پیدایش ۱: ۳-۳۱ می‌خوانیم، روح خدا همهٔ آنها را تغییر داد. در سه روز اول، او به بی‌شکلی آفرینش رسیدگی کرد. او در روز اول نور را آفرید، و نیز قلمروهای روز و شب را مشخص کرد. در روز دوم او گستره‌ای را آفرید که باعث تقسیم آنها شد. ما معمولاً این گستره را جو یا آسمان می‌نامیم که ابرهای بارور را از جهان زیرین جدا می‌کند. در روز سوم او آب‌ها را به نحوی گرد هم آورد که خشکی و گیاهانی که بر زمین می‌رویند، به وجود آمد. در طول سه روز اول، او با نظام بخشیدن به روز و شب، آسمان‌ها و آب‌ها، زمین خشک و گیاهان، محدوده‌های جهان آفرینش را مشخص کرد.

در طول سه روز بعدی - یعنی روزهای چهارم تا ششم هفتهٔ خلقت - روح خدا در مورد خالی بودن آفرینش وارد عمل شد. و او این کار را با پُر کردن حوزه‌های مختلفی که قبلاً آفریده بود، انجام داد. در روز چهارم، او خورشید، ماه و ستارگان را جهت پُر کردن قلمرو روز و شب که در روز اول خلق کرده بود، آفرید. در روز پنجم، او موجودات دریا و پرندگان را آفرید، و حیاطه‌های آسمان و دریا را که در روز دوم خلق کرده بود، پُر کرد. و در روز ششم، او انسان و حیوانات زمین را جهت پُر کردن حیاطهٔ خشکی که در روز سوم خلق کرده بود، آفرید.

علاوه بر پیدایش باب ۱، چندین قسمت دیگر کتاب مقدس نیز، عمل آفرینندهٔ خدا را به روح او نسبت داده‌اند. برای نمونه، اشعیا ۴۰: ۱۲-۱۳، نقش روح را در شکل دادن آفرینش اینگونه شرح می‌دهد:

کیست که آبها را به کف دست خود پیموده، و آسمانها را به وجب اندازه گرفته باشد؟ کیست که غبار زمین را در پیمانه گنجانیده، و کوهها را به قِپان و تپهها را به ترازو وزن کرده باشد؟ کیست که روح خداوند را هدایت کرده، و یا چون مشاورش به او تعلیم داده باشد؟ (اشعیا ۴۰: ۱۲-۱۳).

البته پاسخ ضمنی این است: «هیچکس». روح خدا به تنهایی تمامی این کارها را انجام داده است. و مزمو ۱۰۴: ۲۴-۳۰ درباره کار روح در آکندن جهان آفرینش از موجودات زنده اینگونه صحبت می کند:

ای خداوند، کارهای تو چه بسیار است! آنها را جملگی به حکمت خویش به عمل آورده‌ای! زمین از مخلوقات تو آکنده است! و دریا نیز، در آنجا، وسیع و پهناور، مملو است از جنبندگان بی شمار، از جانداران بزرگ و کوچک!... چون روح ایشان را قبض می کنی، می میرند و به خاک باز می گردند! چون روح خود را می فرستی، آفریده می شوند، و روی زمین را تازه می سازی! (مزمو ۱۰۴: ۲۴-۳۰).

این آیات به آفرینش چیزهایی مانند آبها، گیاهان و جانداران اشاره دارد. و این عمل به روح القدس نسبت داده شده است.

در طول هفته خلقت، روح القدس بسیار فعال بود. او نقش فعالی ایفا کرد. در پیدایش ۱: ۲ چنین آمده که روح القدس سطح آبها را فرا گرفت و یا روی آنها در حال حرکت بود... وقتی به این موضوع فکر می کنم، این عمل را شبیه به کاری می بینم که روح القدس به هنگام تولد تازه بخشیدن به یک شخص، روی قلب او انجام می دهد. به نظر من «حرکت روح» بر روی آبها و یا «فرو گرفتن» سطح آبها اشاره به امر حیات بخشی روح القدس می کند. واقعیت این است که خود من قسمت های زیادی از باب اول کتاب پیدایش را درک نمی کنم. ولی به نظر می رسد کمیتی از جهان مادی وجود داشت که روح القدس آن را فرو گرفته بود، و این همه مقدمه یا پیش نیازی بود که خدا همه چیز را از آنچه که آنجا وجود داشت بیافریند. به همین دلیل روح القدس بر روی آبها حرکت می کرد. روح، پسر خدا، و پدر، یعنی هر سه شخص تثلیث در عمل آفرینش فعال بودند.

کشیش مایک آزبورن

تا اینجا به عملکرد روح القدس در جهان در خلال هفته آفرینش نگاه کردیم. حال توجه خود را به کارهای مدیران روح القدس در طول تاریخ معطوف می کنیم.

مشیت

سنت‌های الاهیاتی گهگاه درک متفاوتی از جزئیات مفهوم مشیت دارند. ولی در کل، استنباط کلیساهای اوانجلیکال به شرح زیر است:

کار خدا در فرمانروایی و حفظ تمامی آفرینش که شامل موجودات، اعمال و اشیا است.

اساساً، مشیت الاهی شامل همه آن چیزهایی است که روح القدس در طول تاریخ در جهان انجام داده است. اما محض سهولت، بحث‌مان را به کارکرد عمومی روح محدود می‌کنیم. و البته اجزای تشکیل دهنده آن را به صورت مباحثی مجزا در این درس و درس‌های بعدی بررسی خواهیم کرد.

در اکثر موارد، قسمت‌هایی از کتاب مقدس که در مورد مشیت الاهی صحبت می‌کنند، بین اشخاص تثلیث تفاوتی قائل نمی‌شوند. و باید بی‌درنگ بپذیریم که هر سه شخص تثلیث در امر مشیت الاهی فعال بوده‌اند. با این وجود، در این قسمت‌ها به اندازه کافی ارجاعاتی به روح وجود دارد که بتوانیم بر نقش او تاکید کنیم.

کار روح القدس در مشیت الاهی را به دو قسمت تقسیم خواهیم کرد. ابتدا بر کار روح در حوزه طبیعت تمرکز خواهیم کرد. و سپس به کاری که روح به طور خاص در میان انسان‌ها انجام می‌دهد اشاره‌ای خواهیم داشت. بیایید ابتدا به طبیعت بپردازیم.

طبیعت

اگر طبیعت را از دیدگاه علمی بررسی کنیم، به ظاهر قادر است خود را پایدار نگاه دارد. به نظر می‌رسد که آب و هوا، شرایط جغرافیایی و زیستی، مجموعه‌ای از سیستم‌های مکانیکی نسبی هستند که با قوانین ناگسستگی و طبیعی عمل می‌کنند. همین دیدگاه را می‌توان در خصوص دیگر علوم طبیعی مانند نجوم، شیمی، فیزیک، زمین‌شناسی و غیره داشت. اما طبق تعالیم کتاب مقدس، برای اینکه درک درستی از طبیعت داشته باشیم، باید بدانیم خدا آن را آفریده است، بر آن حکم می‌راند و همه سیستم آن را حفظ می‌کند. چنانکه مزمورنویس در مزمور ۱۳۵: ۶-۷ نوشته است:

خداوند هرآنچه را که بخواهد، به انجام می‌رساند، در آسمان و بر زمین، در دریاها و ژرفناها! اوست که ابرها را از کران‌های زمین بر می‌آورد؛ که برای باران برق‌ها می‌سازد و باد را از مخزن‌های خویش بیرون می‌آورد (مزمور ۱۳۵: ۶-۷).

بی‌شک، جلوه‌گرترین نمایش قدرت مشیت الهی در طبیعت، طوفان زمان نوح بود. باب‌های ۶-۹ پیدایش نشان می‌دهند که خدا، در پاسخ به شرارت بشر، تمام جهان را غرق در آب کرد. و پیدایش ۶: ۳ اشاره به نقش روح در اجرای این مجازات دارد. بلاهای وارد شده بر مصر در باب‌های ۷-۱۲ خروج، قدرت خدا در طبیعت را به نمایش می‌گذارد. این قدرت را در شکافتن دریای سرخ در خروج باب ۱۴ می‌بینیم. قطعاً، عجیب‌ترین قدرت روح بر طبیعت به هنگام جنگ اسرائیل با اموریان در یوشع ۱۰: ۱۳ است که آفتاب ایستاد «تا قوم از دشمنان خود انتقام گرفتند». در باب‌های ۳۸ تا ۴۱ کتاب ایوب، خدا شخصا تدبیر عام خود را در اداره طبیعت توضیح می‌دهد. او درباره قدرتش بر زمین، دریا، روز و شب، آب و هوا، و جانوران سخن می‌گوید. هر چند در خود کتاب ایوب تمایزی بین سه شخص خدای تثلیث به چشم نمی‌خورد، اما ایوب ۳۴: ۱۴-۱۵ روح خدا را به عنوان شخصی معرفی می‌کند که اراده الهی را در جهان به انجام می‌رساند.

علاوه بر این، کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که روح القدس جهان را به نحوی اداره می‌کند که به طور مرتب مشخصه‌های آن تجدید و جمعیت موجودات آن کنترل می‌شود. به عنوان مثال، مزمور ۱۳۵ می‌گوید که او باران، ابرها، باد و دیگر عناصر را می‌آفریند. و در جاهایی مانند مزمور ۶۵ می‌بینیم که او جغرافیای زمین را با ایجاد رودخانه‌ها، دره‌ها، کوه‌ها و بیابان‌ها تغییر می‌دهد. و در جاهای دیگر، او زندگی جدید را در شکل گیاهان، حیوانات و آدمیان به ارمغان می‌آورد. هر چیز جدیدی که در آفرینش ظاهر می‌شود، عملکرد روح است.

حتما به یاد دارید که مزمور ۱۰۴ بر کارهای روح القدس در آفرینش تاکید می‌کند. این مزمور در مورد مشیت الهی نیز صحبت می‌کند. این مزمور می‌گوید که چگونه خدا چشمه‌ها را و می‌دارد تا به درون دره‌های عمیق سرریز شوند. طریقی را که او برای حیوانات خوراک تهیه می‌کند، مورد ستایش قرار می‌دهد. او را که به گیاهان و درختان زندگی می‌بخشد و برای پرندگان و دیگر حیوانات لانه فراهم می‌کند، تحسین می‌کند، و به ما اطمینان می‌دهد که او خورشید و ماه، شب و روز، و فصل‌های سال را تحت کنترل خود دارد. به نظر می‌رسد که تمامی اینها فقط یک چرخه طبیعی باشند، اما در واقع خداست که آنها را کنترل می‌کند. به مزمور ۱۰۴: ۲۴-۳۰ گوش کنید:

ای خداوند... زمین از مخلوقات تو آکنده است... چشم امید اینان جملگی بر توست، تا خوراک ایشان را در وقتش برسانی... چون دست خویش را می‌گشایی، از چیزهای نیکو سیر می‌شوند... چون روح ایشان را قبض می‌کنی، می‌میرند و به خاک باز می‌گردند! چون روح خود را می‌فرستی، آفریده می‌شوند، و روی زمین را تازه می‌سازی! (مزمور ۱۰۴: ۲۴-۳۰).

مزمورنویس می‌دانست که کار خدا در واقع این نیست که برای هر موجود خوراک فراهم کرده و بعد با دستانش به او غذا دهد. او متوجه بود که حیوانات مطابق با چرخه و سلسله مراتبی که ما گاهی آن را «زنجیره غذایی» می‌نامیم، تغذیه می‌کنند. اما از دیدگاه زمینی، به نظر می‌رسد که این فرایند یک سامانه خودگردان طبیعی باشد. ولی نگرش کتاب مقدس فراتر از این ادراک سطحی است و آنچه کتاب مقدس می‌بیند حاکمیت خدا بر این رفتارهاست. ایدۀ مشابهی را در اشعیا ۳۴: ۱۵، ۱۶ می‌بینیم.

مزمورنویس همچنین می‌گوید که خدا به نحوی آفرینش را اداره می‌کند که حیات، سپر پیوسته و در عین حال محدودی داشته باشد. یعنی اینکه هیچ موجودی بدون دخالت خدا نمی‌میرد. او نفس یا روح آنها را درونشان حفظ می‌کند تا زنده بمانند. و این نفس یا روح را زمانی از آنها می‌گیرد که زمان مرگشان فرا رسیده باشد. مزمورنویس اینگونه تعاملات با خلقت را به روح خدا نسبت داده است.

در موعظه سر کوه، عیسی از اندیشه مشابهی استفاده می‌کند تا شنوندگانش را تشویق کند که نگرانی‌هایشان را در مورد نیازهای زندگی کنار بگذارند. به کلام عیسی در متی ۶: ۲۶-۳۳ گوش دهید:

پرنده‌گان آسمان را بنگرید که نه می‌کارند و نه می‌دروند و نه در انبار ذخیره می‌کنند و پدر آسمانی شما به آنها روزی می‌دهد... سوسن‌های صحرا را بنگرید که چگونه نمو می‌کنند؛ نه زحمت می‌کشند و نه می‌ریسند. به شما می‌گویم که حتی سلیمان نیز با همه شکوه و جلالش همچون یکی از آنها آراسته نشد... نخست در پی پادشاهی خدا و عدالت او باشید، آنگاه همه اینها نیز به شما عطا خواهد شد (متی ۶: ۲۶-۳۳).

منظور عیسی این بود که اگر مردم پادشاهی و عدالت خدا را دنبال کنند، او با مشیت الهی خود نیازهای روزانه آنان را رفع خواهد کرد.

زمانی که ما در مورد مشیت خدا صحبت می‌کنیم، درباره مراقبت دائمی خدا از آفرینش و همه مخلوقاتش صحبت می‌کنیم. بنابراین، باور ما این نیست که خدا جهان را فقط آفرید و بعد به دنبال کار دیگری رفت. نه، چنین نیست. خدا با کلام قدرت خود، جهان را حفظ می‌کند. او از طریق کلامش و به واسطه روحش، به کار خود در حفظ و پایداری جهان ادامه می‌دهد. پس، ما در مورد خدایی فکر می‌کنیم که همه ما بحتاج ما را تامین می‌کند. خوراک، آب، هوا، و تمام آنچه که داشتن آنها را حق مسلم خود می‌دانیم، توسط خدا فراهم شده‌اند.

کشیش دکتر جاستین تری

اینجا باید اشاره کنیم که عیسی کار مدبرانه خدا در عالم را به پدر منسوب می‌کند. به این طریق، عیسی اهمیت اقتدار پدر بر ملکوتش را مورد تاکید قرار می‌دهد. با این حال، برداشت جامع الاهی‌دانان این است که هنگامی که پدر فرامین مربوط به تدبیر عالم را صادر می‌کند، این روح القدس است که آنها را اجرا می‌کند. این موضوع را در آیاتی مانند متی ۱۰: ۲۰ و لوقا ۱۱: ۱۳ می‌بینیم. و در جاهایی مانند یوحنا ۱۵: ۲۶، اعمال رسولان ۲: ۳۳، و اول پطرس ۱: ۲، به ایده‌هایی در این رابطه برمی‌خوریم.

حال که از مشیت الاهی در طبیعت سخن گفتیم، بیایید کار روح القدس در بشریت را بررسی کنیم.

بشریت

تا آنجایی که بشریت بخشی از جهان طبیعی محسوب می‌شود، آنچه که پیشتر در خصوص طبیعت گفته شد در مورد ما نیز صدق می‌کند. همانطور که در مزمو ۱۳۵: ۶-۷ می‌بینیم، خدا بر محیط زیست ما فرمان رانده و آن را مدیریت می‌کند. و همانطور که در تثنیه ۷: ۱۳ می‌خوانیم، او منابع غذایی و حتی زاد و ولد موفق ما را کنترل می‌کند. و همانطور که در ایوب ۳۳: ۴ می‌خوانیم، روح او منشاء زندگی هر یک از ماست. و او این کار را صرفاً با حفظ سیستم‌های طبیعی جهان انجام نمی‌دهد. و همانطور که خواهیم دید، او از طریق اثرگذاری مستقیم بر شرایط، جسم، و حتی ذهن ما، بر انسان حکم می‌راند.

در همان حال که روح القدس مدبرانه بر جهان حکومت می‌راند، به روش‌های بسیار گوناگون انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. و این مورد گاهی اوقات باعث اضطراب و ترس مسیحیان می‌شود. ما نگران آن هستیم که روح ممکن است اراده ما را نقض کند، یا اینکه ما را به اندیشه و عمل گناه‌آلود سوق دهد. حتی اگر گاهی او اجازه دهد که ما رنج بکشیم، وی را متهم به خطاکاری می‌کنیم. بنابراین، اولین چیزی که باید در نظر داشته باشیم، این است که روح القدس هرگز عمل گناه‌آلودی انجام نمی‌دهد. او هرگز با ما بدرفتاری نمی‌کند و ما آزار نمی‌دهد. و دومین چیزی که ما همیشه باید به یاد داشته باشیم این است که او همیشه به جهت خیریت نهایی ایمانداران کار می‌کند. در حال حاضر، زندگی ممکن است دردناک باشد. اما تمامی رنج‌هایی که متحمل می‌شویم در نهایت منجر به برکات ابدی خواهند شد. سنت‌های الاهیاتی متفاوت، اکنون این ایده‌ها را به روش‌های مختلف با هم سازگار ساخته‌اند. ولی همه آنانی که به کتاب مقدس ایمان دارند باید تصدیق کنند که کار روح القدس در تدبیر جهان همواره به اندازه نیکویی و پاکی خود اوست.

بیایید ببینیم پولس در اعمال رسولان ۱۷: ۲۴-۲۶ چگونه گستره تدبیر الاهی را خلاصه‌وار توصیف می‌کند:

خدایی که جهان و هر آنچه را در آن است آفرید... خود بخشندهٔ حیات و نفس و هر چیز دیگر به جمیع آدمیان است... او زمان‌های تعیین شده برای ایشان و حدود محل سکونت‌شان را مقرر کرد (اعمال ۱۷: ۲۴-۲۶).

به نظر می‌رسد پولس روح‌القدس را مدّ نظر داشته است، زیرا او از خدا به عنوان کسی که به ما زندگی و نفس می‌بخشد، صحبت می‌کند. پولس نشان می‌دهد که کار مدبرانهٔ روح‌القدس شامل بخشش همهٔ آنچه که از آن برخورداریم، و در برگیرندهٔ فرمان‌روایی او بر زمان‌ها و مکان‌هایی است که در آنها زندگی می‌کنیم.

روح‌القدس فقط به این دلیل جهان را حفظ نمی‌کند که ما بتوانیم در آن زندگی کنیم. او در واقع شرایط خاص زندگی و در برخی موارد، انتخاب‌های ما را کنترل می‌کند. به یقین، هر بار که شفاهای معجزه‌آسا و رستاخیزهایی را که در کتاب مقدس آمده‌اند تصدیق می‌کنیم، در واقع این جنبه از کار روح‌القدس را تایید کرده‌ایم. و هر بار که دعا می‌کنیم، تدبیر روح‌القدس در زندگی خود را با آغوش باز می‌پذیریم و اقرار می‌کنیم که خدا هم قادر و هم مایل به تغییر شرایط، سلامت، طول عمر، و حتی ذهن و روح ما است.

کتاب مقدس برخی از نمونه‌های نسبتاً غیرمتعارفِ حاکمیتِ روح‌القدس بر زندگی انسان‌ها را ثبت کرده است. برای نمونه، در تثنیه ۲: ۳۰، ۳۱ موسی تعلیم می‌دهد که خدا سیحون، پادشاه حبشون را در روح سرسخت و در دل لجوج ساخت. او این کار را انجام داد تا اسرائیلیان، سیحون و ارتش او را شکست داده و سرزمین او را تحت سلطهٔ خود درآورند.

در خروج ۱۰: ۲۰، ۲۷ و ۱۱: ۱۰ خدا قلب فرعون، پادشاه مصر را سخت کرد تا با آزادی اسرائیل از بردگی مخالفت کند. در نتیجه فرعون و قوم او در معرض بلایای تاریکی و مرگ نخست‌زادگان خود قرار گرفتند. مزمور ۱۳۵: ۶-۱۲ تسلط مدبرانهٔ روح بر سیحون، فرعون و دیگر پادشاهان را طوری به تصویر کشیده که به رسم یادبود حفظ شود:

خداوند هر آنچه را که بخواهد، به انجام می‌رساند؛ در آسمان و بر زمین... اوست که نخست‌زادگان مصر را کُشت... قوم‌های بسیار را زد و شاهان مقتدر را کُشت؛ سیحون، شاه اموریان، عوج، شاه باشان، و جملهٔ ممالک کنعان را. و سرزمین ایشان را... بخشید... به میراث قوم خود اسرائیل (مزمور ۱۳۵: ۶-۱۲).

در کتاب مقدس بارها دیده می‌شود که خدا هر آنچه را که خشنودش کند به انجام می‌رساند، و این خود معمولاً تاییدی است بر این واقعیت که خدا به طور فعالانه تاریخ بشر را در دست داشته و آن را هدایت می‌کند. به عنوان یک مثال دیگر، در کتاب دانیال باب ۴، خدا با سلب اقتدار شاهانه و سلامت عقلی نبوکدنصر، پادشاه بابل، او را مجازات کرد. تا انقضای زمان مقرر، نبوکدنصر در بین حیوانات وحشی زندگی کرد و علف خورد.

سپس، خدا سلامت عقلی و تخت سلطنتش را به او باز گرداند. و نبوکدنصر، با فروتنی‌ای که یافت، به تامل دربارهٔ قدرت مدبرانهٔ خدا می‌پردازد. به آنچه نبوکدنصر در دانیال ۴: ۳۵ می‌گوید گوش دهید:

او [خدا] بر طبق ارادهٔ خویش عمل می‌کند، در میان لشکر آسمان و ساکنان زمین. کسی را یارای آن نیست که دست او را باز دارد، یا او را بگوید: «چه کرده‌ای؟» (دانیال ۴: ۳۵).

درست مطابق نمونهٔ مزمور ۱۳۵، نبوکدنصر دید که خدا هر آنچه را که خشنودش کند انجام می‌دهد. خدا به منظور تحقق اهداف خود، تصمیمات و اقدامات انسان را مهار می‌کند. یا همانطور که در مزمور ۳۳: ۱۰-۱۱ می‌خوانیم:

خداوند نقشه‌های امت‌ها را باطل می‌کند... اما نقشه‌های خداوند جاودانه پابرجاست (مزمور ۳۳: ۱۰-۱۱).

هرگاه به کار روح القدس در تدبیر عام در مواردی مانند حکومت‌ها یا پادشاهان یا شاهزادگان و یا ملت‌های سراسر جهان فکر می‌کنیم، باید به خاطر داشته باشیم که رومیان باب ۱۳ به ما می‌گوید که حکومت‌ها برای مجازات شرارت و ترویج نیکویی در جهان تعیین شده‌اند... اما به نظر من مهمترین نکته برای به یاد آوردن کار روح القدس در حکومت‌ها، پادشاهان و ملت‌ها، همان است که کتاب مقدس دربارهٔ ماشیح، یعنی پادشاهی که خدا جهت فرمانروایی بر خلقت جدید تعیین کرده است، به ما می‌گوید. اشعیا ۱۱: ۲ از او به عنوان کسی یاد می‌کند که روح خداوند بر او قرار گرفته است... او روح حکمت را دارد. او روح فهم، روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس خداوند را دارد. و از آنجا که روح خدا به طریق فوق بر ماشیح عظیم قرار گرفته است، او نه فقط شرارت را باز می‌دارد بلکه نیکی را به نهایت کمال ترویج می‌کند. او مروج عدالت در سراسر پهنهٔ خلقت جدید است. بنابراین زمانی که به کار روح در جهان سیاست و در میان رهبران سیاسی می‌اندیشیم، می‌توانیم مفهوم عام‌تری از روح را در نظر بگیریم که طبق آن خدا شرارت را به ویژه در بین سیاستمداران غیرایماندار، و به دلیل مشابه، حتی بین سیاستمداران ایماندار، طوری مهار می‌کند که همگی آنها بتوانند به افرادی مبدل شوند که شرارت را مجازات کرده و نیکویی را رواج دهند. اما بیان صحیح‌تر این موضوع، قرار گرفتن روح القدس بر ماشیح است تا او عدالت را در جهان، از کران تا کران، برقرار کند.

دکتر ریچارد پرت

سلطنت مدبرانه خدا بر بشریت، فراسوی پادشاهان و ملت‌هاست و بر تک‌تک انسان‌ها و همه جوانب زندگی ما گسترده شده است. و همانطور که خدا بر شرایط ما تأثیر می‌گذارد، او بر قلب و ذهن ما نیز فرمانروایی می‌کند. قبلاً این موضوع را در رابطه با رهبران امت‌ها مشاهده کردیم. همین مسئله در مورد تک‌تک انسان‌ها نیز صادق است. به آنچه مزمور ۳۳ در آیات ۱۳-۱۵ می‌گوید گوش دهید:

خداوند از آسمان نظر می‌افکند و بنی آدم را جملگی می‌بیند... او که دل‌های ایشان را جملگی سرشته است، و هر آنچه را که می‌کنند، درک می‌کند (مزمور ۳۳: ۱۳-۱۵).

روح با تدبیر خود قلوب همه انسان‌ها را شکل می‌بخشد. او احساسات، باورها، خواسته‌ها و تعهدات ما - یعنی هر آنچه که هستیم و انجام می‌دهیم - را شکل می‌دهد. در رابطه با بشریت در حالت کلی، گاهی کار تدبیر روح القدس اجرای داوری سهمناک الهی است. مجدداً می‌توانیم به طوفان فراگیر زمان نوح و یا مصیبت‌هایی که در سرزمین مصر رخ داد، فکر کنیم. کارهای دیگری نیز روح القدس انجام می‌دهد که برای بی‌ایمانان هلاکت به بار می‌آوردند. آیاتی مانند تثنیه ۲۹: ۴، اشعیا ۶: ۹، ۱۰، یوحنا ۱۲: ۳۷-۴۱، و رومیان ۱۱: ۸، همگی اشاره به این مورد دارند که خدا از احیای قلب و فکر شریران امتناع می‌ورزد تا مانع توبه و نجات آنها شود. به آنچه پولس در رومیان ۱: ۲۴-۲۸ درباره داوری شریران می‌گوید، توجه کنید:

خدا نیز ایشان را در شهوات دل‌شان به ناپاکی واگذاشت... ایشان را در شهواتی شرم‌آور به حال خود واگذاشت... همانگونه که برای آنان شناخت خدا ارزشی نداشت، خدا نیز آنان را به ذهنی فرومایه واگذاشت تا مرتکب اعمال ناشایست شوند (رومیان ۱: ۲۴-۲۸).

برای گناهکاران تدبیر الهی باید چشم‌اندازی ترسناک داشته باشد. این بدان معناست که خدا برای مجازات شرارت، همیشه تا روز داوری صبر نمی‌کند. این نکته نوع داوری قریب‌الوقوع را آشکار می‌کند. اما به همین شیوه، این بدان معنی است که خدا برای برکت قوم خود نیز همیشه تا روز آخر صبر نمی‌کند. علاوه بر توجه به نیازها و مراقبت از زندگی ما، خدا در قلب و ذهن ما کار می‌کند تا موجب شود ما از او اطاعت کنیم. پولس در فیلیپیان ۲: ۱۳، اینطور می‌نویسد:

زیرا خداست که با عمل نیرومند خود، هم تصمیم و هم قدرت انجام آنچه را که خشنودش می‌سازد، در شما پدید می‌آورد (فیلیپیان ۲: ۱۳).

این درک از رفتار مدبرانه روح القدس در مورد ایمانداران و بی‌ایمانان در چندین قسمت از عهد عتیق دیده شده است. در اشعیا ۲۹: ۱۶ و ۴۵: ۹، و ارمیا ۱۸: ۱-۱۹، خدا به کوزه‌گر و انسان به گل تشبیه شده‌اند. در هر یک از این آیات، کتاب مقدس به این نکته اشاره می‌کند که کوزه‌گر حق دارد هر چه اراده کند با گل خود بسازد. و با استفاده از این استعاره، پولس در رومیان ۹: ۱۸-۲۱ این جنبه از تدبیر الهی را اینطور خلاصه می‌کند:

پس خدا بر هر که بخواهد رحم می‌کند و هر که را بخواهد سخت دل می‌سازد. مرا خواهی گفت: «پس دیگر چرا ما را سرزنش می‌کند؟ زیرا کیست که بتواند در برابر اراده او ایستادگی کند؟» اما ای انسان، تو کیستی که با خدا مجادله می‌کنی؟ آیا مصنوع می‌تواند به صانع خود بگوید «چرا مرا چنین ساختی؟» آیا کوزه‌گر اختیار ندارد که از توده گلی واحد، ظرفی برای مصارف مهم و ظرفی دیگر برای مصارف معمولی بسازد؟ (رومیان ۹: ۱۸-۲۱).

اینجا پولس می‌گوید که حد اختیار کوزه‌گر بر گل آنقدر گسترده است که او می‌تواند دل مردم را سخت کند و موجب شود آنان با خدا ضدیت کرده و تحت داوری او قرار گیرند.

همانطور که مطرح کرده‌ایم، مکاتب مختلف الاهیاتی، برداشت متفاوتی از کار روح دارند. کار تدبیر روح القدس را به هنگامی که او مردم را جذب می‌کند تا به مسیح ایمان آورند در نظر بگیرید. ما می‌توانیم کار تبدیل‌کننده روح را به صورت دو جاده و یا دو مسیر تصور کنیم. یک مسیر نشان‌دهنده پذیرش مسیح به عنوان نجات‌دهنده است. و مسیر دیگر نشان‌دهنده رد اوست. تمامی مسیحیان اوانجلیکال قطعاً با این نکته موافق‌اند که تدبیر روح القدس باعث می‌شود انسان‌ها پیام انجیل را شنیده و با این تصمیم روبرو شوند. اما حداقل سه نظریه عمده راجع به عملکرد روح در این روند وجود دارد.

اول اینکه بعضی از مکاتب الاهیاتی بر این باورند که انسان توانایی طبیعی برای انتخاب بین راه نجات و طریق هلاکت را دارد. از نقطه نظر این دیدگاه، کار تدبیر روح بر مواجه ساختن ما با پیغام انجیل متمرکز شده است. دیدگاه دوم می‌پذیرد که روح القدس مسیر زندگی ما را طوری هدایت می‌کند که با انجیل رو به رو شویم. اما این را نیز باور دارد که انسان‌های سقوط کرده فاقد توانایی طبیعی برای پاسخ مثبت به انجیل هستند. ما در حالت سقوط کرده، همیشه مسیر هلاکت را انتخاب می‌کنیم. بنابراین، بر اساس این دیدگاه، روح القدس «فیض پیش‌گیرنده» تدارک می‌بیند، یا فیضی که قبل از ایمان نجات‌بخش داده می‌شود تا به ما توانایی ببخشد که مسیر نجات را انتخاب کنیم. زمانی که این فیض را دریافت کنیم، برای ما هر دو مسیر باز است، و می‌توانیم یکی از دو مسیر را انتخاب کنیم؛ یا مسیح را بپذیریم و یا او را رد کنیم.

طبق سومین دیدگاه عمده، روح القدس ما را با انجیل مواجه می‌کند و ما فاقد توانایی طبیعی برای انتخاب حیات هستیم. اما در این دیدگاه روح القدس به آنانی که برای نجات برگزیده شده‌اند، فیضی می‌بخشد که آنها نمی‌توانند در مقابلش مقاومت کنند. این فیض نه تنها به قدرت می‌دهد که مسیر نجات را انتخاب کنیم، بلکه عملاً این انتخاب را تضمین می‌کند.

واضح است که مغایرت‌های قابل توجهی بین این سه دیدگاه وجود دارد. با این حال، هر سه آنها تاثیر و فرمانروایی روح القدس را بر زندگی انسان‌ها - و تا حدی حتی بر انتخاب‌های ما - تایید می‌کنند.

عیسی بر این خدمت مهم روح القدس در حیات جهان تاکید می‌کند که شامل انسان‌هایی که با خدا دشمنی می‌کنند نیز می‌شود. روح برای ملزم کردن بی‌ایمانانی که با خدا دشمنی می‌کنند کار می‌کند تا آنها را متقاعد کند که مقصردند و اینکه در رابطه با گناه، خود عادل‌پنداری و قضاوت دنیوی، به خطا رفته‌اند. یعنی روح به بی‌ایمانان کمک می‌کند تا درک کنند که هرگز به عیسی مسیح که تنها امیدشان برای نجات است، ایمان نداشته‌اند. روح بر این حقیقت نیز تاکید می‌کند که بسیاری از بی‌ایمانان با اتکا بر عادل‌پنداری خویش در پی آن هستند که یا خود را مستحق لطف خدا بسازند و یا اینکه محبت خدا را به جهت نجات تحصیل کنند - که البته امری است ناممکن... بنابراین، روح از طریق ایجاد اضطرابی مقدس در بی‌ایمانان، به آنها نشان می‌دهد که همچنان در گناهان خود هستند، افرادی هستند که خود را عادل می‌پندارند، و اینکه معیار قضاوت آنان دنیوی است - و البته همه آنها اشتباه است. روح آنها را به سوی مسیح سوق می‌دهد و آنان را به پذیرش عیسی مسیح بر می‌انگیزاند... بنابراین، روح در زندگی بی‌ایمانان با قدرت کار می‌کند تا آنها را ملزم کرده و موجب تولد دوباره آنها بشود.

دکتر گرگ ر. الیسون

پس از بررسی کار روح القدس در جهان در خصوص آفرینش و تدبیر، آماده هستیم تا به بحث مکاشفه بپردازیم.

مکاشفه

راه‌های زیادی برای تعریف مکاشفه وجود دارند. اما به طور کلی، می‌توانیم بگوییم که مکاشفه عبارت است

از:

کار خدا در آشکارسازی خود به آدمیان

مکاشفه در حقیقت یک زیرشاخه از مشیت الاهی است، زیرا که بخشی از روش حکومت روح القدس هم بر آفرینش در حالت کلی، و هم بر انسان در حالت خاص است. مکاشفه اشکال زیادی به خود می‌گیرد. ما می‌توانیم با مشاهده آفرینش، درباره خدا بیاموزیم. ما می‌توانیم خصوصیات او را در خود و در انسان‌ها ببینیم. او می‌تواند فرشتگان پیام‌رسان، و یا مبشرین و معلمین انسانی بفرستد. او می‌تواند رویاها و خواب‌ها ببخشد و یا اینکه با کلمات سخن بگوید. او کلام خود در کتاب مقدس را به ما داده است. و او حتی می‌تواند از طریق هدایت و روشنگری در اعماق وجود ما، مستقیماً با قلب ما صحبت کرده و ما را در تعبیر کلام خود و عمل به آن کمک کند.

ما درباره کار مکاشفه روح القدس، در دو بخش بحث خواهیم کرد. در ابتدا، بعضی نمونه‌های الیهاتی را بررسی خواهیم کرد که مکاشفه را طبقه‌بندی می‌کنند. سپس، به آنچه که کتاب مقدس درباره نقش روح القدس به عنوان منشاء مکاشفه می‌گوید، نگاه خواهیم کرد. بیایید با نگاهی به برخی نمونه‌های الیهاتی برای طبقه‌بندی مکاشفه، کار را شروع کنیم.

نمونه‌ها

برای طبقه‌بندی مکاشفه‌ای که روح القدس ارائه می‌دهد، الیهیدانان روش‌های زیادی تبیین کرده‌اند. اما برای اهدافی که در این درس دنبال می‌کنیم، بحث‌مان را به پنج نمونه متدوال تر محدود می‌کنیم.

اولین تمایزی که الیهیدانان قائل شده‌اند، فرق بین مکاشفه طبیعی و مکاشفه فوق طبیعی است. در این درس، ما از اصطلاح «مکاشفه طبیعی» استفاده می‌کنیم که به معرفت خدا اشاره می‌کند؛ معرفتی که از طریق عملکرد عادی جهان طبیعی و تدبیر الاهی آشکار می‌شود. و این شامل هر جاندار، شی، ماده و اصل در خلقت می‌شود. برای نمونه، مزمور ۱۹: ۱ از مکاشفه طبیعی به این شیوه صحبت می‌کند:

آسمان جلال خدا را بیان می‌کند، و فلک از عمل دست‌هایش سخن می‌گوید (مزمور ۱۹: ۱).

در مقایسه با مکاشفه طبیعی، مکاشفه فوق طبیعی اشاره به آن معرفت خداست که مستقیماً از جانب خدا یا پیام‌آوران او می‌آید. مکاشفه فوق طبیعی شامل معجزات، نبوت‌ها، الهام کتاب مقدس، و هر مداخله الاهی و عمل خارق‌العاده دیگر در قلمرو تدبیر می‌شود.

تمایز بین مکاشفه طبیعی و مکاشفه فوق طبیعی به درستی نشان می‌دهد که خدا از روش‌های مختلف برای مکاشفه استفاده می‌کند. این روش‌ها، جهان طبیعی، قلمرو ماوراء الطبیعی فرشتگان و شیاطین، و ارتباط مستقیم با انسان‌ها را در بر می‌گیرد. این تمایز همچنین مشخص می‌کند که چون خدا تمام آنچه را که وجود دارد آفریده است، پس هر چیز و هر کس حقیقتی را در مورد او آشکار می‌کند. با این حال، این وجه تمایز نقطه ضعیفی نیز دارد — یعنی نادیده گرفتن اینکه تمامی مکاشفه در نهایت، ماهیتی فوق طبیعی دارد. در هر حال جهان طبیعی توسط خدا آفریده شده و متکی به تدبیر الهی در حفظ و اداره آن است.

از آنجایی که روح القدس منشاء نهایی همه مکاشفه است، اگر به رشته پیوستگی بین مکاشفه طبیعی و فوق طبیعی فکر کنیم، سودمند خواهد بود. برای نمونه، سخنانی که قابل شنیدن باشند و مستقیم از جانب خدا صادر شوند شدیداً فوق طبیعی قلمداد می‌شوند. کلام یک نبی که تحت الهام خدا سخن می‌گوید، تا حد کمتری فوق طبیعی محسوب خواهد شد. و مشاهده دست خلاق خدا در جهان طبیعی در پایین‌ترین تراز فوق طبیعی قرار می‌گیرد. دومین مجموعه طبقه‌بندی‌هایی که گاهی برای توصیف مکاشفه به کار می‌رود، شامل مکاشفه نجات‌بخش و مکاشفه غیرنجات‌بخش می‌شود. مکاشفه نجات‌بخش معرفت خداست برای به کمال رسانیدن نجات از طریق مسیح. برای نمونه، دانستن اینکه خدا مهربان و بخشنده است عموماً نجات‌بخش تلقی می‌شود زیرا پیش فرض آن، نیاز انسان به نجات است. اگر ما گناهی نمی‌داشتیم، به رحمت و بخشش هم نیازی نبود. اما مکاشفه غیرنجات‌بخش معرفتی از خداست که گناهکاری یا نجات را شامل نمی‌شود. برای مثال، دانستن اینکه خدا تنها خالق قادر است، غیرنجات‌بخش به حساب می‌آید زیرا درباره گناهکاری و یا نیاز ما به نجات چیزی به ما نمی‌آموزد. گناهکاری ما تغییری در اقتدار خدا پدید نمی‌آورد.

مهم است بدانیم که بسیاری از نمونه‌های معرفت خدا، از یک جهت غیرنجات‌بخش، ولی از جهت دیگر نجات‌بخش هستند. برای مثال، شناخت جلال خدا — که عموماً غیرنجات‌بخش است — ممکن است تجربه‌ای شود که شخص گناهکار را فروتن کرده و او را به سمت توبه سوق دهد. علاوه بر این، معرفت نجات‌بخش فقط برای کسانی که توبه می‌کنند، نجات‌بخش است. برای کسانی که توبه نمی‌کنند، چنین معرفتی فقط عامل دیگری برای داوری آنان خواهد بود. این مورد را در آیاتی مانند متی ۱۱: ۲۱-۲۲ و اشعیا ۹: ۱۰ می‌بینیم.

سومین مجموعه از طبقه‌بندی‌هایی که بسیاری از الاهدانان استفاده می‌کنند، مکاشفه عام و مکاشفه خاص است. الاهدانان روش‌های مختلفی برای تعریف مکاشفه عام و مکاشفه خاص ارائه داده‌اند. برخی از الاهدانان وجه تمایز بین این دو مکاشفه را در شیوه اعطای مکاشفه می‌بینند.

در این دیدگاه، مکاشفه عام تقریباً معادل با مکاشفه طبیعی است زیرا به روش‌های طبیعی بخشیده می‌شود. و مکاشفه خاص تقریباً معادل با مکاشفه فوق طبیعی به حساب می‌آید زیرا به روش‌های فوق طبیعی یا ماوراء طبیعی داده می‌شود.

در دیدگاه‌های دیگر تمرکز بر روی مخاطبانی است که مکاشفه را دریافت می‌کنند. مکاشفه عام خطاب به همه انسان‌ها است به طوری که به صورت بالقوه برای همگان قابل دسترسی است. در حالی که مکاشفه خاص تنها برای برگزیدگان اندک‌شماری قابل دسترسی است.

در این نمونه به درستی مشخص شده است که همه انسان‌ها مکاشفه یکسانی از خدا دریافت نمی‌کنند، زیرا تفاوت‌های واضحی در زندگی، گذشته، و حتی توانایی ما برای دریافت مکاشفه وجود دارد. برای نمونه، افرادی که نابینا هستند، نمی‌توانند به طور مستقیم جنبه‌های بصری مکاشفه عام را دریافت کنند. و برخی مکاشفات خاص، مانند کتاب مقدس به این منظور بخشیده شده تا به همگان ارائه شود.

یکی از رویکردهای دیگر به این طبقه‌بندی‌ها، بین محتوای مکاشفه عام و مکاشفه خاص تمایز قائل می‌شود. این رویکرد شبیه به مکاشفه نجات‌بخش و غیرنجات‌بخش است. در این دیدگاه، فارغ از موضوعاتی مانند گناه و نجات، مکاشفه عام برای همه انسان‌ها در نظر گرفته شده است. به همین منوال، مکاشفه خاص به گروه منتخبی از گناهکاران داده می‌شود که خدا قصد نجات آنان را دارد.

همانطور که پولس در رومیان ۸: ۲۹، ۳۰ و افسسیان ۱: ۵، ۱۱ تعلیم می‌دهد، نقطه قوت این رویکرد این است که انتخاب افراد معین توسط خدا برای نجات را تصدیق می‌کند. این رویکرد همچنین تاکید دارد که برای ورود این افراد به ایمان و بلوغ در مسیح، خدا اقدامات ویژه‌ای انجام می‌دهد. اما نقاط ضعف هم دارد. به عنوان مثال، مکاشفه‌ای که گناهکاران را محکوم کند، گناه را نادیده نگرفته است. پس، نمی‌تواند مکاشفه عام باشد. و این مکاشفه نمی‌تواند مکاشفه خاص هم باشد زیرا لزوماً به قصد نجات کسی داده نشده است.

نمونه چهارم که الاهی‌دانان برای طبقه‌بندی مکاشفه روح القدس استفاده می‌کنند، شامل مکاشفه در عمل و مکاشفه در کلام است. مکاشفه در عمل یعنی اینکه خدا خودش را به واسطه کارها و اعمالش آشکار کند. و مکاشفه در کلام یعنی اینکه خدا خودش را به واسطه کلماتی که الهام کرده است – چه به صورت شفاهی و یا کتبی – ظاهر کند.

این تمایز اغلب مفید است زیرا بر شیوه‌های مختلفی که خدا برای ارتباط با انسان به کار می‌برد، تاکید دارد. این نمونه به درستی نشان می‌دهد که با نگاه به کارهای خدا، می‌توانیم او را بهتر بشناسیم. اما، از آنجا که کارهای خدا می‌توانند اغلب مبهم باشند، این نمونه تاکید دارد که کلام خدا وضوح بیشتری نسبت به کارهای او دارد.

علاوه بر این، نمونه مذکور به ما کمک می‌کند تا ارتباط بین سخنان و کارهای خدا را دریابیم – اینکه چگونه کارهای او گهگاه سخنان او را تحقق می‌بخشند، و اینکه چطور سخنان او گاهی کارهای او را توضیح می‌دهند، و غیره. برای مثال، در مرقس ۳: ۲۲، عیسی متهم شد که اشخاص دیورده را توسط قدرت شیطان شفا می‌دهد. واضح است که حقیقت چنین نبود. او این کار را با قدرت خدا انجام می‌داد. و این عمل قدرت روح القدس بر

شیطان را آشکار کرد. اما آنانی که معجزه عیسی را دیدند این قضیه را نفهمیدند. بنابراین، مکاشفه کلامی عیسی در مرقس ۳: ۲۳-۲۹ اهمیت عمل اخراج دیوها را توضیح می‌دهد.

البته، یکی از نقاط ضعف چنین رویکردی به مکاشفه، این است که عمدتاً بر کارهای شگفت‌انگیز و نجات‌بخش خدا و بر کلامی که آن اعمال را توضیح می‌دهد، متمرکز است. در چنین حالتی، تمایل بیشتر بر این است تا نقش مکاشفاتی که زیاد جلب توجه نمی‌کنند، مانند آنچه که در امور روزمره و روال طبیعی واقع می‌شوند، کم‌رنگ جلوه داده شود.

و بالاخره، پنجمین نمونه‌ای را که برای طبقه‌بندی مکاشفات ذکر می‌کنیم، مکاشفه باواسطه و مکاشفه بی‌واسطه است. مکاشفه باواسطه به وسیله واسطه‌ها یا وسایلی مانند جهان خلقت و یا یک نبی و یا کتاب مقدس، به ما می‌رسد. و مکاشفه بی‌واسطه مستقیماً از خدا می‌آید؛ مانند شناخت غریزی ما از خدا که خود او آن را در ذات همه انسان‌ها قرار داده است. انواع دیگر مکاشفه بی‌واسطه شامل «روشنگری» و «هدایت باطنی» می‌شود - یعنی همان عطایای الهی معرفت یا حکمت، که کلام بارها و بارها آنها را جزو کارهای روح القدس به شمار آورده است. این مورد را در متونی مانند اول قرنیتیان ۲: ۹-۱۶، افسسیان ۱: ۱۷، کولسیان ۱: ۹، و اول یوحنا ۲: ۲۷ می‌بینیم.

این نمونه به ما یادآوری می‌کند که باید به عملکرد روح القدس در زندگی خود حساس باشیم. منتها، این روش می‌تواند به راحتی مورد سوءاستفاده قرار گیرد، زیرا بسیاری از مردم قادر نیستند بین هدایت باطنی و روشنگری از یک سو، و افکار و احساسات طبیعی خود از سوی دیگر، تفاوت قائل شوند. همین مسئله پرسش‌های مهمی را پیش می‌کشد: چگونه می‌توانیم منشاء اندیشه‌ها، احساسات، الهامات دیداری، الهامات شنیداری، رویاها و حتی تفسیرمان از کتاب مقدس را تعیین کنیم؟ چگونه می‌توانیم مطمئن شویم که این مکاشفات از جانب روح القدس و یا شاید یک فرشته بخشیده شده‌اند، و اینکه آیا می‌توان به آنها اعتماد کرد؟ چطور می‌توان مطمئن شد که خود را فریب نداده‌ایم و یا اینکه توسط یک روح شیطانی فریب نخورده‌ایم؟

آیاتی مانند اعمال ۱۱: ۱۷ و اول یوحنا ۴: ۱ هشدار می‌دهند که ما نباید ساده‌لوحانه باور کنیم که هر مکاشفه، روشنگری، تفسیر و تعلیم از جانب روح القدس است. در واقع، این آیات ما را تشویق می‌کنند که شکاک باشیم و هر روح و هر ادعا را بیازماییم تا روشن شود آیا با خدا و کلام او هم‌خوانی دارد یا خیر. حال که این نمونه‌های مکاشفه را از نظر گذرانیم، بیایید روح القدس را به عنوان منبع مکاشفه بررسی کنیم.

منبع

وجه مشترک همه نمونه‌های الیهاتی مکاشفه این است که در همه آنها خدا به عنوان منبع نهایی مکاشفه شناخته شده است. از آنجا که همه مکاشفه از جانب خداست، تمامی مکاشفه به طور خطاناپذیری، راستین است. و چون مکاشفه صحیح است، معتبر نیز هست. چنین مکاشفه‌ای ما را متعهد می‌کند تا آنچه را که در مورد خدا تعلیم می‌دهد باور کنیم، و با محبت و اطاعت از خدایی که بر ما آشکار کرده، به آن پاسخ دهیم. اما چطور بفهمیم که روح القدس، آن هم به طور خاص، در امر آشکار ساختن خدا بر ما دخالت مستقیم دارد؟

در کتاب مقدس، روح القدس نقش دوجانبه‌ای در زمینه برقراری ارتباط ایفا می‌کند: هم پیام را از جانب خدا می‌فرستد، و هم اطمینان حاصل می‌کند که آن پیام توسط قوم خدا دریافت شده و به جهت رسیدن به هدف معین به کار آمده است. در خصوص فرستنده، دوم پطرس... به ما می‌گوید که مردان مقدس خدا تحت نفوذ روح القدس قرار گرفتند، یعنی روح خدا از تجارب زندگی، تحصیلات، قابلیت آنها در شناخت سبک‌های ادبی، و حضور عینی ایشان در رخدادهای تاریخی زمان خود استفاده کرد تا تفسیر خدا از آن رخدادهای - که همان کلام خداست - را به آدمیان منتقل کند. و ما آن را «آموزه الهام» می‌نامیم، به این معنی که روح القدس این مقدسین خدا را الهام بخشید. اما پولس در باب دوم رساله اول خود به قرن‌تین صحبت از این می‌کند که در خصوص دریافت کننده، روح القدس در سوی دوم خط ارتباط هم حضور دارد و به بدن مسیح انواع عطایا را می‌بخشد؛ عطیه تعلیم، عطیه تمییز... تا پیام خدا قابل تفسیر شود - حقایق روحانی به روش‌های روحانی تفسیر شوند - پیام قابل پذیرش شود و بدین وسیله به هدف خود برسد که عبارت است از تجهیز قوم خدا برای انجام خدمتی که بر عهده دارند. ما آن را «آموزه روشنگری» می‌نامیم، یعنی اینکه روح القدس ذهن قوم خدا را روشن می‌کند و به آنها عطایا می‌بخشد تا پیام روح القدس، که همان کلام خداست، دریافت شود و به روشی که خدا قصد کرده است به کار گرفته شود.

دکتر گرگ پری

کتاب مقدس اغلب می‌گوید که مکاشفه از طریق کارهای خدا در آفرینش و مشیت بخشیده می‌شود. و همانطور که تا به اینجا مشاهده کرده‌ایم، روح القدس در این امور الاهی نقش یک‌پارچه و کاملی ایفا کرده و می‌کند. علاوه بر این، یوحنا ۱۴: ۲۶، اول قرن‌تین ۲: ۴، و افسسیان ۱: ۱۷ و ۳: ۵، همگی روح را به عنوان شخصی معرفی می‌کنند که خدا - از جمله «عمق‌های خدا» همانگونه که در اول قرن‌تین ۲: ۱۰ آمده - را بر ما آشکار می‌کند. به

همین دلیل است که یوحنا او را در انجیل یوحنا ۱۴: ۱۷، ۱۵: ۲۶، و ۱۶: ۱۳ «روح راستی» می‌نامد. و حتی در اول یوحنا ۵: ۶، یوحنا می‌گوید:

اوست آن که با آب و خون آمد، یعنی عیسی مسیح. تنها نه با آب، بلکه با آب و خون؛ و روح است که شهادت می‌دهد، چون روح، حق است (اول یوحنا ۵: ۶).

کتاب مقدس نشان می‌دهد که روح القدس همه گونه‌های مکاشفه را که در درس حاضر بررسی کردیم، برای ما فراهم می‌کند. با این حال، باز هم مفید خواهد بود اگر چند نمونه از مکاشفه را که کتاب مقدس صراحتاً به روح القدس نسبت داده، بررسی کنیم. برای صرفه‌جویی در وقت، فقط به سه مورد می‌پردازیم. ابتدا همانطور که در یکی از درس‌های قبلی دیدیم، روح القدس مسئول الهام نبوت و کتاب مقدس است.

الهام نبوت و کتاب مقدس

الهام نبوت و کتاب مقدس توسط روح در قسمت‌هایی مانند اعمال رسولان ۱: ۱۶، ۴: ۲۵ و ۲۸: ۲۵، افسسیان ۳: ۴-۵، و عبرانیان ۹: ۸، ذکر شده است. همچنین، در اول قرنتیان ۱۴: ۱ که صحبت از عطیة روحانی نبوت است، و یوحنا ۱۴: ۲۶ که خدمت روح القدس به وسیله رسولان شرح داده شده است نیز مشاهده می‌شود. تنها به عنوان یک مثال، به خاطر داشته باشید که پطرس در دوم پطرس ۱: ۲۰-۲۱ می‌نویسد:

هیچ وحی کتاب مقدس زاییده تفسیر خود نبی نیست. زیرا وحی هیچگاه به اراده انسان آورده نشد، بلکه آدمیان تحت نفوذ روح القدس از جانب خدا سخن گفتند (دوم پطرس ۱: ۲۰-۲۱).

در کتاب مقدس می‌خوانیم که نویسندگانی که انسان بودند تحت نفوذ روح القدس قرار گرفتند تا کتاب مقدس را به شکلی که امروزه می‌شناسیم به وجود آورند. آیات بسیاری در عهد جدید به این نکته اشاره دارند، ولی شاید آشکارترین این اشارات در اولین فصل رساله دوم پطرس باشد، جایی که پطرس در مورد درخشش نور در مکان تاریک – که منظور مکاشفه الهی است – صحبت کرده و سپس در آیه ۲۱ چنین ادامه می‌دهد: «زیرا وحی هیچگاه به اراده انسان آورده نشد، بلکه آدمیان تحت نفوذ روح القدس از جانب خدا سخن گفتند.» و در اینجا می‌توان این تعامل را بین آدمی – که تحت نفوذ قرار دارد – و روح القدس – که این نفوذ را در دست دارد – مشاهده کرد... کلمات کتاب مقدس کاملاً انسانی و کاملاً الهی هستند، به طوری که کلمات نوشته شده توسط انسان، در نتیجه مداخله الهی، برای منفعت ما تبدیل به کلام پر از روح... یعنی کلام الهام شده و مصون از خطا شد.

دکتر سایمون ویبرت

دوم، روح القدس مستقیماً با روشنگری و هدایت باطنی مرتبط است.

روشنگری و هدایت باطنی

در بحثی که در بارهٔ مکاشفهٔ بی‌واسطه داشتیم به روشنگری و هدایت باطنی اشاره کردیم. اگرچه همیشه نمی‌توان این عطایا را در کتاب مقدس از یکدیگر متمایز کرد، اما باز هم می‌توان آنها را از هم تمییز داد. «روشنگری» یک هدیهٔ الهی از معرفت یا حکمت است که در وهلهٔ اول «احساسی» یا «بصری» محسوب می‌شود. در اول قرنتیان ۲: ۹-۱۶ پولس روشنگری و هدایت باطنی روح را به عنوان مکاشفهٔ ذهن و فکر خدا بر قوم خود تعریف می‌کند. پولس می‌گوید که چون روح، خودِ خداست، بنابراین او ذهن و افکار خدا را می‌داند. و او اینها را بر ایمانداران آشکار می‌کند تا ما بتوانیم هدایای خیرخواهانهٔ خدا را برای خود درک کنیم.

البته می‌توان به روش‌های دیگر، مانند آفرینش و کتاب مقدس، دربارهٔ خدا چیزهایی آموخت. اما در اول قرنتیان باب ۲، پولس به این نکته اشاره می‌کند که روح القدس مستقیماً به ایمانداران حکمت و بینش عطا می‌کند، و با این کار آنها را قادر می‌سازد سایر مکاشفه‌های روح را با دقت تفسیر کنند. این بدان معنا نیست که ما در بیان کلام خدا یا تفسیر آن همان اقتدار رسولان را داریم. برعکس، آیاتی مانند یوحنا ۱۴: ۲۶، و افسسیان ۳: ۳-۵، اثبات می‌کنند که رسولان و انبیا از بینش و اقتدار منحصر به فردی برخوردار بودند. با این حال، روح هنوز هم از طریق هدایت باطنی و روشنگری، معرفت شناختی و احساسی مکاشفهٔ خود را به ما عطا می‌کند. مورد مشابهی را در افسسیان ۱: ۱۷-۱۸ می‌بینیم، که پولس نوشت:

از خدای خداوند ما عیسیای مسیح، آن پدر پُر جلال، می‌خواهم که روح حکمت و مکاشفه را در شناخت خود به شما عطا فرماید، تا چشمان دل‌تان روشن شده، امیدی را که خدا شما را بدان فرا خوانده است، بشناسید. (افسسیان ۱: ۱۷-۱۸).

در این متن، پولس نشان می‌دهد که روح القدس با عمل روشنگری خود ما را جهت شناخت بهتر خدا کمک می‌کند، و با هدایت باطنی قلب‌های ما را منور می‌سازد. این ایده را می‌توان در کولسیان ۱: ۹، و اول یوحنا ۲: ۲۷ نیز دید.

سوم، یک نوع بسیار شایع مکاشفه مرتبط با روح القدس، مقوله معجزات، نشانه‌ها و عجایب است.

معجزات، نشانه‌ها و عجایب

معجزات، نشانه‌ها و عجایب در کتاب مقدس، کارهای خارق العاده‌ای از مشیت بودند که توسط روح القدس صورت می‌گرفتند. کتاب مقدس در بسیاری از آیات، مانند رومیان ۱۵: ۱۹، اول قرنتیان ۱۲: ۷-۱۱، و غلاطیان ۳: ۵، این کارها را مستقیماً با شخص روح مرتبط می‌کند. این موضوع کمک می‌کند متوجه شویم که هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید، روح نیرویی است که در پس تمامی این کارهای خارق العاده قرار دارد، حتی اگر نام او همیشه ذکر نشده باشد. علاوه بر این، کتاب مقدس مشخص می‌کند که هدف از معجزات، نشانه‌ها و عجایب این بود که کلام خدا برای انسان - مخصوصاً انسان‌های بی‌ایمان - تأیید شود. همانطور که در عبرانیان ۲: ۴ می‌خوانیم:

در حالی که خدا نیز بر آن گواهی می‌داد، با آیات و عجایب و معجزات گوناگون، و عطایای روح القدس که آنها را بنا به خواست خود تقسیم می‌کرد (عبرانیان ۲: ۴).

همانطور که در اینجا یاد می‌گیریم، روح القدس معجزات، نشانه‌ها و عجایب را به عنوان مکاشفه‌ای که به انجیل شهادت می‌دهد، ارائه می‌کند.

هر دو عهد عتیق و عهد جدید عملکرد الهامی معجزات، نشانه‌ها و عجایب را تأیید می‌کنند. برای نمونه، در خروج باب ۴، روح از طریق موسی نشانه‌هایی به عمل آورد؛ از جمله تبدیل عصای موسی به یک مار و ابتلا به جذام و سپس شفا یافتن از آن. روح این کار را کرد تا اسرائیل متقاعد شود که موسی باید آنان را رهبری کند. هدف از بلایایی که بر مصر نازل شد این بود که به فرعون و قوم او ثابت شود که خدای اسرائیل خدای حقیقی است. به همین دلیل، این بلایا، در بخش‌هایی مانند خروج ۷: ۳ و ۱۰: ۱-۲، نشانه‌ها و عجایب نامیده شده‌اند. معجزاتی که روح در خلال سرگردانی اسرائیل در صحرا به ظهور آورد در اعداد ۱۴: ۲۲ نیز نشانه‌ها نامیده شده‌اند زیرا ثابت می‌کردند که برای رسیدن به سرزمین موعود، اسرائیل باید از موسی پیروی کنند. در تثنیه ۴: ۳۴ و آیات بسیار دیگر در این کتاب، نشانه‌ها و عجایب خروج اسرائیل از مصر به عنوان دلیلی مطرح شده‌اند که خیرخواهی و وفاداری خدا را در پیمانی که با آنان بسته است ثابت می‌کند. در دوم سموئیل ۷: ۲۳، گفته شده است که تسخیر سرزمین موعود توسط اسرائیل با نشانه‌ها و عجایبی همراه بوده که ثابت می‌کرد خدا نسبت به قوم خود التفات داشته و مقتدرتر از خدایان دروغین کنعانیان است.

روح القدس همچنین به انبیا و برخی افراد در عهد عتیق قدرت بخشید تا نشانه‌ها و عجایب معجزه‌آسا به عمل آورند تا حقیقت پیام‌شان را ثابت کند. برای مثال، در دانیال ۴: ۲، ۳ می‌بینیم که رویاهای نبوکدنصر پادشاه،

نشانه‌ها و عجایب محسوب می‌شدند، درست همانطور که دیوانگی و بهبودی او پس از جنون، اینطور بود. رویاهای نبوکدنصر تاییدی بود بر نبوت خدا راجع به آینده او. و دیوانگی او ثابت کرد که خدا منشاء ترقی نبوکدنصر بود. در کتاب دانیال ۶: ۲۷، گفته شده که نجات دانیال از چنگال شیرها نیز یک نشانه و شگفتی بود زیرا خدمت نبوتی او را تایید می‌کرد.

در عهد جدید، روح القدس به روش مشابه از «نشانه‌ها و عجایب» استفاده می‌کند. برای مثال، در اناجیل – به ویژه انجیل یوحنا – معجزات عیسی «نشانه‌ها» نامیده شده‌اند چون آنها پیغام او را تایید می‌کردند. این مورد را در متی ۱۲: ۳۹؛ لوقا ۱۱: ۲۹؛ یوحنا ۲: ۱۱، ۲۳، ۳: ۲، ۴: ۵۴ و قسمت‌های دیگر کتاب مقدس می‌بینیم.

انجیل یوحنا در اغلب موارد معجزات عیسی را «نشانه‌ها» می‌نامد تا به ما نشان دهد که آنها سیلانِ صرف قدرت نیستند و تنها به منظور ایجاد حیرت و ترس رخ نمی‌دادند... انجیل یوحنا و دیگر اناجیل از هر دو مفهوم فوق جهت توصیف نشانه‌ها و عجایب و اعمال مقتدرانه عیسی استفاده می‌کنند. اما یوحنا بر روی نشانه‌ها تمرکز می‌کند زیرا می‌داند که این معجزات به چیزی فراتر از خود اشاره می‌کنند. نکته‌ای که تبدیل آب به شراب به آن اشاره دارد فراتر است از صرف تامین شراب برای ممانعت از شرمساری آنانی است که در جشن عروسی شراب کافی ذخیره نکرده بودند. این تمثیل در واقع، نشانه این است که ضیافت مسیحایی، که در اشعیا باب ۲۵ نبوت شده است، در حال آغاز است. یا به بیان روشن‌تر، جریان خوراک دادن به پنج هزار نفر، حینی که عیسی نان را برکت می‌دهد، مستقیماً به موعظه طولانی او ختم می‌شود که طی آن عیسی مشخص می‌کند که نانی که می‌خوریم و به شکم فرو می‌بریم صرفاً خوراک موقت جسم است. ولی پدر نانی را از آسمان می‌دهد که به راستی و تا به ابد حیات بخش است، و اینکه عیسی خود، آن نان حیات است. نمونه دیگر رستاخیز ایلعازر است. ایلعازر از مردگان برخیزانده و از لحاظ جسمی دوباره در این جهان زنده شد، اما عیسی به مرتا می‌گوید نکته‌ای که این نشانه به آن اشاره دارد این است که خود عیسی قیامت و حیات است. و پیش‌تر از این ماجرا، در انجیل یوحنا باب ۵، عیسی از زمان حال به عنوان روزی صحبت می‌کند که مردم صدای پسر خدا را می‌شنوند و مردگان زنده می‌شوند. این همان قدرت حیات بخش روح است که از طریق انجیل مردم را به سوی ایمان و حیات در خدا هدایت می‌کند، و روزی خواهد رسید که همه کسانی که در خاک آرمیده‌اند، یعنی آنانی که از لحاظ فیزیکی مُرده‌اند، بر خواهند خاست؛ تا یا به خاطر بی‌ایمانی به پسر داوری شوند، یا به خاطر حیاتی که پسر بخشیده است از حیات ابدی لذت ببرند.

دکتر دنیس جانسون

معجزات عیسی نشانه‌ها و عجایبی بودند که به حقیقت شخص عیسی و پیام او شهادت می‌دادند. البته عیسی، در مقام خود خدا، می‌توانست هر معجزه‌ای را که بخواهد، انجام دهد. اما او این کار را نکرد. به جای آن،

حتی عیسی برای معجزات خود به روح القدس اتکا داشت. او چنین کرد تا انجیلش توسط شهادت روح القدس تایید شود. این موضوع در آیاتی مانند متی ۱۲: ۱۸، ۲۸؛ و لوقا ۴: ۱۴، ۱۸ به وضوح دیده می‌شود. به آنچه پطرس در اعمال رسولان ۲: ۲۲ می‌گوید، گوش کنید:

ای قوم اسرائیل، این را بشنوید: چنانکه خود آگاهید، عیسی ناصری مردی بود که خدا با معجزات و عجایب و آیاتی که به دست او در میان شما ظاهر ساخت، بر حقانیتش گواهی داد (اعمال ۲: ۲۲).

آنچه عیسی انجام داد، شهادت معتبری بود، چون او اعمالش را به قدرت خودش انجام نمی‌داد. بلکه همه کارهای خود را توسط قدرت روح القدس انجام داد.

به همین صورت، کتاب اعمال رسولان نشانه‌ها و عجایب دیگری را نام می‌برد که روح القدس از آنها برای تایید انجیل استفاده کرده است. برای نمونه، در اعمال رسولان ۲: ۴۳ و ۵: ۱۲ می‌خوانیم که رسولان عجایب و نشانه‌های معجزه‌آسای بسیار انجام دادند. و این معجزات باعث شد تا آنان حتی از جانب افراد خارج از کلیسا مورد احترام فراوان قرار گیرند. به علاوه، در اعمال رسولان ۴: ۳۰، کلیسا دعا کرد که خدا از طریق آنها، نشانه‌ها و عجایبی را به عنوان شهادتی برای عیسی، به عمل آورد. و سایر جریانات در کتاب اعمال رسولان نشان می‌دهد که خدا به این دعا پاسخ مثبت داد.

روح القدس از همه چیز در آفرینش استفاده می‌کند تا خدا را بر ما آشکار کند. و بعضی وقت‌ها او حتی با انسان‌ها به طور مستقیم ارتباط برقرار می‌کند. و این خبر خوشی برای ایمانداران است. این بدان معنی است که زمانی که ما انجیل را موعظه می‌کنیم، چیزی درون هر انسان وجود دارد که حقیقت آنچه را که ما می‌گوییم تایید می‌کند. یعنی هر چیزی که با آن رو به رو شویم قادر است مطالب ارزشمندی درباره رابطه ما با خدا و دیگر انسان‌ها به ما بیاموزد. البته با ارزش‌ترین مکاشفه‌ای که روح القدس به ما بخشیده، کتاب مقدس است، و باید راهنمای ما برای تفسیر هرگونه مکاشفه‌ای باشد که با آن مواجه می‌شویم. در نهایت، تمام مکاشفه، اگر درست تفسیر شود، یک هدف را دنبال می‌کند: جلال خدا را اعلام می‌کند، و ما را به توبه و نجات از طریق فیض و به واسطه ایمان به مسیح ملزم می‌سازد.

تا اینجا در درس مان درباره کار روح القدس در جهان، کارهای آفرینش، تدبیر و مکاشفه او را توضیح دادیم. حال بیایید به آخرین موضوع مهم خود یعنی فیض عام بپردازیم.

فیض عام

اصطلاح «فیض عام» می‌تواند تعالیم کتاب مقدسی متنوعی را شامل شود که در خصوص انسان‌هایی است که هرچند نجات نیافته‌اند، اما هنوز هم می‌توانند به زندگی و فرهنگ مثبت بشری نائل شوند. قسمت‌هایی مانند پیدایش باب ۳ و رومیان باب ۵ تعلیم می‌دهند زمانی که آدم و حوا گناه کردند، تمام نسل بشر ملعون شده و برده گناه شد. ولی انسان‌های گناهکار و نجات‌نیافته آنقدرها هم بد نیستند. آنها شرور مطلق و یا فاسد نیستند. آنها به دیگران کمک می‌کنند. فرزندان خود را دوست دارند. آثار زیبای هنری می‌آفرینند. در ریاضی، پزشکی و غیره اکتشافات واقعی و مفید می‌کنند. اما این چگونه ممکن است؟ از آنجایی که انسان‌های نجات‌نیافته هنوز بنده گناه هستند، چرا همچنان صداقت، نیکی و زیبایی در آنها دیده می‌شود؟ جواب در «فیض عام» است.

لوئیس برکوف که در سال‌های ۱۸۷۳ تا ۱۹۵۷ زندگی می‌کرد، ایده فیض عام را در کتاب «الاهیات منتظم» خود، بخش ۴، فصل ۳، قسمت ب، پاراگراف ۲، خلاصه کرد. به آنچه برکوف می‌گوید گوش کنید:

زمانی که صحبت از «فیض عام» می‌کنیم، یکی از این دو مفهوم را مد نظر داریم: یا آن دسته از اعمال عمومی روح القدس که به واسطه آنها، بی‌آنکه قلب آدمی را تازه سازد، از طریق مکاشفه عام یا خاص خود، چنان تاثیر اخلاقی‌ای بر اندیشه او می‌گذارد که باعث می‌شود گناه مهار شده، نظم در زندگی اجتماعی حفظ شود، و عدالت اجتماعی گسترش یابد. و یا، آن گروه از برکات همگانی، مانند باران و آفتاب، خوراک و نوشیدنی، پوشاک و مسکن، که خدا به طور برابر، در هر جا و به هر اندازه‌ای که اراده کند، به همه انسان‌ها ارزانی می‌دارد.

برکوف به دو نوع عمده فیض عام اشاره می‌کند. اول، برکاتی را نام می‌برد که شرارت را محدود می‌کنند، تا اینکه «گناه مهار شده، نظم در زندگی اجتماعی حفظ شود، و عدالت اجتماعی گسترش یابد.» و دوم، او برکاتی را بر می‌شمارد که نیازهای روزانه انسان را رفع می‌کنند. برکاتی مانند: «باران و آفتاب، خوراک و نوشیدنی، پوشاک و مسکن.»

همانند بسیاری از مفاهیم الاهیاتی دیگر، مکاتب مختلف، فیض عام را به شیوه‌های گوناگون تعریف می‌کنند. برای نمونه، برخی مکاتب، فیض عام را طوری تعریف می‌کنند که هدیه حیات را هم شامل می‌شود. دیگران فکر می‌کنند که فیض عام شامل نرم کردن قلب گناهکاران است تا آنها بتوانند به انجیل پاسخ مثبت دهند. و برخی مکاتب این اصطلاح را هرگز به کار نمی‌برند. آنها بر این باورند که اگر کار روح القدس به نجات ما منجر نشود، آن را نمی‌توان به درستی «فیض» نامید. با این حال، در چارچوب اهداف این درس، ایده فیض عام برکوف را دنبال می‌کنیم و تمرکز ما بر عمل مدبرانه روح القدس در افزودن نیکی و برآوردن نیازهای زندگی روزمره بشر خواهد بود.

در راستای این رویکرد، بحث دربارهٔ فیض عام بر دو ایده تمرکز خواهد داشت. اول، به کار روح القدس در ترویج نیکی نگاه خواهیم کرد. و دوم، به کار او در ترویج زندگی خواهیم پرداخت. بیاید اول به کار روح در ترویج نیکی در انسان نگاه کنیم.

ترویج نیکی

روح القدس همیشه حاضر و فعال است. او همیشه در جهان فعال و حاضر بوده است. یکی از وظایف او ترویج نیکی و مهار شرارت در جهان است. و به گمان من ساده‌ترین پاسخ به این سوال که روح چگونه این کار را انجام می‌دهد و ما چگونه می‌توانیم بدانیم که او این کار را می‌کند، این است که بگوییم اگر به خاطر حضور نیروی مهارکنندهٔ روح در جهان نبود، دنیای سقوط کرده به مراتب بدتر می‌شد، و اگر روح در جهان، حاضر و فعال نبود، دنیای ما از آنچه که الان هست به مراتب نامطلوب‌تر می‌شد. الاهی‌دانان در مورد فیض خاص و فیض عام خدا صحبت می‌کنند. فیض عام خدا در دسترس همهٔ ما قرار دارد، به طوری که اگر مردم در جهانی زندگی می‌کنند که روح در آن حضور دارد، آنها بخشی از نیکویی‌ای را که از او نشئت می‌گیرد تجربه می‌کنند، و همچنین از منافع عملکرد روح در مهار شرارت بهره می‌برند. مسیحیان در تمام مکاتب الیهاتی، در یک مورد دیگر نیز اتفاق نظر دارند — اینکه همهٔ ما مشتاقانه منتظر روزی هستیم که دیگر شرارتی برای مهار وجود نداشته باشد و در جهانی که خدا آفریده است، چیزی جز نیکی نباشد.

دکتر گلن ر. کرایدر

هدف اصلی خدا برای بشریت این است که ما جهان را به ملکوت زمینی او تبدیل کنیم. این نکته در خلقت انسان توسط او، که در باب اول کتاب مقدس ذکر شده، واضح است. در پیدایش ۱: ۲۶-۲۸، خدا انسان را موظف کرد تا از طریق پُر کردن و تسخیر زمین، از جانب او بر جهان حکومت کند. این بخش از کتاب مقدس عموماً به عنوان «حکم فرهنگی» شناخته می‌شود زیرا به تشکیل جامعه و فرهنگ انسانی در سراسر جهان امر کرده است.

این همان تاکید بر پادشاهی خداست که در سراسر کتاب مقدس تکرار شده است. و در نهایت، در کتاب مکاشفه تحقق می‌یابد که در آن پادشاهی خدا تمام جهان را فرا می‌گیرد. در مکاشفه ۱۱: ۱۵ به صراحت به این مورد اشاره شده است. و مکاشفه ۲۱: ۱ تا ۲۲: ۵ در توصیف چگونگی این پادشاهی می‌گوید که تمامی جهان خدایی را خدمت می‌کنند که از روی تخت خود در اورشلیم جدید بر زمین حکم می‌راند.

در راستای این هدف برای آفرینش، تدبیر روح القدس انسان را در مسیری که توسعه و ثبات فرهنگی او را ممکن بسازد، هدایت می‌کند. برای مثال، همانگونه که پولس در رومیان ۱۳: ۱-۷ تعلیم می‌دهد، روح حکومت‌های

مدنی را مقرر کرده است تا از شرارت انسان‌ها جلوگیری کرده و آن را مجازات کنند. همانطور که عیسی در یوحنا ۱۶: ۸-۱۱ می‌آموزد و پولس در رومیان ۱: ۳۲ و دوم قرنتیان ۴: ۲ تأیید می‌کند، روح کل بشریت را با قضاوت و درک سالمی از عدالت و وجدان مجهز کرده است. البته انسان‌های گناهکار اغلب حکم وجدان خدادادی خود را نمی‌پذیرند. با این حال، باز هم وجدان نفوذ خویش را برای نیکی در زندگی و جامعه انسانی به کار می‌برد. روح، همچنین انسان را به اندازه لازم با حکمت و فهم تجهیز می‌کند تا او بتواند حداقل قدری از معیارهای درست حکمت را تشخیص دهد. برای نمونه، در اول پادشاهان باب ۱۰، و دوم تواریخ باب ۹، ملکه صبا که غیریهودی بود، حکمت سلیمان را تشخیص داد و محترم شمرد. این بدان معنی است که روح القدس ملکه صبا را با درایت لازم مجهز کرد تا او حکمت سلیمان را تشخیص دهد. و همین موضوع را می‌توان در مورد حقیقت در تمامی حوزه‌های یادگیری اذعان کرد. از یعقوب ۱: ۱۷ در می‌یابیم که تمامی حقیقت چیزی نیست جز حقیقت خدا. و حتی زمانی هم که بی‌ایمانان حقیقت را پیدا می‌کنند، این موضوع صحت دارد. الیهو، دوست جوان و خردمند ایوب، این موضوع را در ایوب ۳۲: ۸ چنین بیان کرد:

اما روحی که در انسان است، یعنی دمِ قادرِ مطلق، آن است که انسان را فهم می‌بخشد (ایوب ۳۲: ۸).

در اینجا الیهو مشخص می‌کند که تمامی معرفت و فهم حقیقی از جانب خدا صادر می‌شود. پیوستگی موجود بین معرفت و روح ما و نفس خدا دلالت بر این دارد که روح القدس شخص سوم تثلیث است که این معرفت را می‌بخشد.

علاوه بر این، تدبیر روح القدس به نحوی جهان را اداره می‌کند که رفتار نیک، ثمرات نیک به بار می‌آورد. که البته این واقعیت نکته اساسی کتاب‌های حکیمانۀ کتاب مقدس، مانند امثال سلیمان، است. و در خصوص همه جوامع انسانی صدق می‌کند. به عنوان مثال، تربیت و تعلیم کودکان، آنها را تبدیل به بزرگسالانی می‌کند که متمدن‌تر و مسئولیت‌پذیرتر هستند. رفتار توأم با محبت و انصاف با دیگران عموماً باعث می‌شود، آنان نیز همان رفتار را با شما در پیش بگیرند. فارغ از اینکه چه کسی هستید، پاسخ ملایم خشم را دور می‌کند، اما سخنان تند، خشم را شعله‌ور. فراتر از این، روح القدس گاهی از طریق مجازات بدکاران و حتی هلاک ساختن آنها، نیکی را ترویج می‌کند. این اصل را در مزمور ۷۵: ۵-۸ و اشعیا ۵۹: ۱۵-۲۱ می‌بینیم. و همانطور که در مزمور ۷۶: ۱۰-۱۲ می‌خوانیم:

به یقین که خشم بشر به ستایش تو می‌انجامد، و باقیمانده خشم را بر کمر خود خواهی بست. برای یهوه خدای خویش نذر کنی و وفا نمایی؛ همه آنان که گرداگرد اویند، برای او که مهیب است، پیشکش‌ها بیاورند! او جان حکمرانان را می‌گیرد، پادشاهان زمین از او ترسانند! (مزمور ۷۶: ۱۰-۱۲).

فقط به عنوان یک نمونه، به یاد داشته باشید که در خروج باب ۱۴ خدا ارتش شریر مصر را در دریای سرخ نابود کرد. با این کار، خدا به آزار و اذیت اسرائیل به دست مصریان پایان داد و تا حد زیادی هم مانع آزار و اذیت ملل دیگر توسط مصریان شد.

اگر گناه نتوانسته است جامعه بشری را به سوی نابودی خود سوق دهد، دلیل آن تدبیر روح القدس در اداره عالم است. روح القدس نه فقط مانع می شود که بی ایمانان تا حدی که در توان دارند شرور شوند، بلکه ضرری را که می زنند نیز محدود می کند. علاوه بر این، تشکیل حکومت های دادگر، ایجاد روابط دوستانه، و داشتن خانواده های بامحبت، حاصل تاثیر مثبت روح القدس است. و عطایای عقلانی او این امکان را برای ما فراهم می کند تا به کشف حقایق سودمند در تمامی حوزه های موفقیت و دانش بشری دست یابیم. به عبارت ساده تر، این نیکویی الهی روح است که بروز نیکی را از سوی تمامی موجودات عالم ممکن می سازد.

حال که مشخص کردیم چطور فیض عام، ترویج نیکی را شامل می شود، اجازه دهید کار روح را در ترویج زندگی بررسی کنیم.

ترویج زندگی

همانطور که قبلا در این درس ذکر شد، وقتی که عهد جدید صحبت از کار پدر در مشیت می کند، به طور کلی اقتدار پدر بر پادشاهی خود را در نظر دارد. اما این روح القدس است که دستورات پدر را اجرا می کند. یکی از راه هایی که روح القدس زندگی را ترویج می کند، این است که جهان طبیعی را به نحوی نظام می بخشد که مردم بتوانند نیازهای روزانه خود مانند آب و خوراک را فراهم کنند. پولس در اعمال رسولان ۱۴: ۱۵-۱۷، خطاب به بی ایمانان شهر لستره، صحبت از تدارک خدا برای همه آدمیان می کند.

خدای زنده... که آسمان و زمین و دریا و هر آنچه را که در آنهاست، آفرید... با فرستادن باران از آسمان و بخشیدن فصل های پربار، بر شما احسان نموده، خوراک فراوان به شما ارزانی می دارد (اعمال ۱۴: ۱۵-۱۷).

هنگامی که روح القدس به انسان ها عطا می کند تا بچه دار شوند و کودکان خود را بپروراند، او زندگی را ترویج می کند. در قسمت هایی مانند پیدایش ۲۰: ۱۸ و ۲۹: ۳۱؛ تثنیه ۲۸: ۱۱ و ۳۰: ۹؛ و مزمور ۱۱۳: ۹ به قدرت او بر تولید مثل اشاره شده است. این موضوع را به وضوح در آیه هایی مانند پیدایش ۳۳: ۵ و یوشع ۲۴: ۳، ۴ می بینیم که کودکان را هدایایی از جانب خدا معرفی می کنند. در مزمور ۱۲۷: ۳ هم می خوانیم:

فرزندان، میراثی از جانب خداوندند، و ثمرهٔ رَحْمٍ، پاداشی از سوی او (مزمور ۱۲۷: ۳).

فراتر از این، روح القدس نسبت به همهٔ انسان‌ها از جمله کسانی هم که هرگز ایمان نیاورده‌اند، صبور و دلسوز و بخشنده است. ما این را در مزمور ۱۴۵: ۸، ۹؛ اشعیا ۲۶: ۱۰؛ رومیان ۲: ۴، ۵ و قسمت‌های دیگر می‌بینیم. فقط به عنوان یک مثال، ببینیم عیسی در لوقا ۶: ۳۵ چه می‌گوید:

بلکه دشمنان خود را محبت نمایید و احسان کنید و بدون امید عوض، قرض دهید زیرا که اجر شما عظیم خواهد بود و پسران حضرت اعلی خواهی بود چونکه او با ناسپاسان و بدکاران مهربان است (لوقا ۶: ۳۵).

عیسی تعلیم داد که یکی از راه‌هایی که مسیحیان باید شبیه به خدا عمل کنند، محبت و نیکی در حق دشمنان‌شان است. و این آموزه تنها زمانی معنی پیدا می‌کند که خدا خود به دشمنانش محبت کرده و در حق آنان نیکی کرده باشد – که چنین نیز هست.

خدا می‌داند چه کسی به او اعتماد کرده، نجات می‌یابد و چه کسی جز این خواهد کرد. با این حال، کتاب مقدس روشن می‌کند که خدا نسبت به همهٔ آدمیان نوعی محبت دارد که من آن را «آفریننده» می‌نامم. به این دلیل است که مثلاً کتاب مقدس می‌گوید خدا باران خود را بر نیکان و بدان یکسان می‌باراند. خدا باران را فقط بر زمین‌های ایمانداران نمی‌باراند؛ او زمین‌های هر دو گروه را سیراب می‌کند. و بنابراین، از آنجا که خدا، خدایی است با محبت و چون همهٔ انسان‌ها را به شباهت خود آفریده است، دور از ذهن نیست که او اینچنین نگرانی آفریننده و عشقی نسبت به همهٔ موجودات داشته باشد. البته به عقیدهٔ من او محبت «پدرانه» خاصی نسبت به کسانی دارد که کتاب مقدس آنان را «برگزیدگان» نامیده است، یعنی نجات‌یافتگانی که با توبه و ایمان به او رو می‌آورند. بنابراین، در کنار نوع خاص محبتی که خدا دارد، نوع عام این محبت نیز وجود دارد. شواهد مربوط به محبت عام خدا را در عملکرد روح به هنگام مراقبت و توجه او از همهٔ انسان‌ها می‌بینیم.

دکتر دنی اکین

به مانند ترویج نیکی در جامعه و فرهنگ بشری توسط روح، ترویج زندگی به وسیلهٔ او نیز در خدمت بنای پادشاهی خدا در سراسر جهان است. این عمل روح، به انسان‌ها قدرت می‌دهد تا زمین را تحت سلطهٔ خود در آورند،

بر جنبندگان آن حکم برانند، و جهان را از انسان‌ها، که به شباهت خدا هستند، پُر سازند. اما در ترویج زندگی، روح به قدری بخشنده است که حتی چیزهای نیکویی را که در حکم فرهنگی ضروری نیستند، به انسان‌های گناهکار اعطا می‌کند.

پیشتر در این درس، سخنان پولس خطاب به اهالی غیرایماندار شهر لستره را از اعمال رسولان باب ۱۴ نقل کردیم. آنجا پولس به آنها می‌گوید که خدا جهان را آفرید و به طور مداوم خوراک آن را تامین می‌کند. بیایید به آخرین گفتهٔ پولس خطاب به آنها در اعمال رسولان ۱۴: ۱۷ گوش کنیم:

[خدای زنده] دل‌های شما را از خُرمی لبریز می‌کند (اعمال ۱۴: ۱۷).

شگفت‌انگیز به نظر می‌رسد، اما روح‌القدس به قدری نیک‌خواه و مهربان است که به همهٔ انسان‌ها – از جمله کسانی که از او نفرت دارند – اجازه می‌دهد تا شادی را در قلب و زندگی خود تجربه کنند. خدمت روح‌القدس در فیض عام، بزرگترین دلیل برای احترام و گرامیداشت اوست. فیض عام او نشانگر مهربانی، رحمت و صبر او نسبت به کسانی است که شایستگی آن را ندارند. این فیض، پایه و اساس تمام نیکویی و نظم در فرهنگ انسانی است. و دلیل قانع‌کننده‌ای تا بی‌ایمانان از مخالفت با خدا باز ایستند، از گناهان‌شان توبه، و آمرزش در مسیح را دریافت کنند.

نتیجه‌گیری

در این درس از کار آفرینش روح در آغاز جهان صحبت کردیم، و تدبیر او را در رابطه با انسان و طبیعت به طور مفصل شرح دادیم. ما همچنین کار مکاشفهٔ او را از طریق بررسی نمونه‌های متعددی که آن را شرح می‌دهند، و با ذکر این نکته که روح منشاء تمامی مکاشفات است، مطالعه، و کار فیض عام او را در ابعاد ترویج نیکویی و زندگی ترسیم کردیم.

حضور روح‌القدس در جهان نتایجی پُرشمول در پی دارد. همانطور که مشاهده کردیم، از اولین لحظهٔ آفرینش، او در حال شکل‌دهی، حفظ و ادارهٔ هستی بوده است. تمام زندگی، کل تاریخ، و همهٔ هستی، متکی به کار روح و تصویری از کارهای اوست. و برای ایمانداران، این حقیقت باید منبع عظیم اطمینان و تسلی باشد. خدا خود در هر لحظه کنار ما حضور دارد. او فراهم‌کننده است. از ما حفاظت می‌کند. ما را محبت می‌کند. و او همهٔ جوانب خلقت را به نحوی هدایت می‌کند که سرانجام پادشاهی‌اش در کمال بر زمین پیاده شود و فراوانی برکاتش بر ما نازل شوند.